

ویژه

یک بلوغ مسأله دار!

تغییر سبک زندگی و گسترش استفاده از فضای مجازی باعث بلوغ زودرس شده است

۱۲

گزارش «جام جم»

از یک برنامه باسابقه رادیویی

تربیبون نخبگان سیاسی

۷

عباس محبی، بازیگر سریال

«آزادی مشروط» به «جام جم» گفت:

«بازیگری» مثل هنرنامی
در بازار مسگرهاست



۶

نگاهی به حضور بازیگران دیگر کشورها در سریال های ایرانی به بهانه پخش «تمام رخ»

چهره‌های خارجی در قاب ایرانی

۷



۶

در نشست صمیمانه دکتر جبلی با جمعی از نمایندگان مجلس عنوان شد

حرکت رو به جلوی رسانه ملی بایستوانه مجلس

فیلم هایی که تاریخ را تحریف می کنند

جنگ روایت ها

یا چه کسی «کندی» را کشت؟

۱۰

بیش از ۲۱ میلیون کاربر در طول برگزاری جام جهانی
از یک پلتفرم تعاملی استفاده کردند

استادیوم ۸ میلیونی تلویون

۸

هومن رهنمون، کارگردان نمایش «عبدالرضا»:

آگاهی بخشی

جدی ترین مسئولیت تئاتر است

۱۱

یادداشت

تعامل فضای آکادمیک و سریال های تلویزیونی

خیلی زودتر از اینها باید پیوندی منطقی میان آموزش آکادمیک بازیگری و اقتصاد هنر برقرار می کردیم، یعنی از یک طرف به میزان نیاز به جذب و تربیت بازیگر پرداخته می شد و از طرف دیگر از همان زمان دانشگاه پیوندهای منطقی با تولیدات برقرار می شد.



امین خدایی
بازیگر تلویزیون

یکی از مشکلات فعلی، ساختار آکادمیک بازیگری آن است که هنرجویان و حتی بااستعدادترین آنها هم هیچ دورنمایی نسبت به آینده شغلی خود ندارند. همین می شود که گاهی برخی از نابازیگران به واسطه ارتباطاتی که دارند، جذب پروژه ها شده و افراد بااستعداد بیکار می مانند.

البته که این دوری محیط آموزشی از بازار کار، فقط مختص رشته های هنری نیست ولی درباره آموزش هنری و کلا رشته هایی که زمینه لازم برای کار عملیاتی دارند این دوری بسیار آسیب زاست و باعث می شود که بسیاری از علاقه مندان هنری به جای رفتن به سمت آموزش آکادمیک به سمت پیدا کردن مسیرهایی برای ورود زود هنگام به پروژه ها بروند، حتی اگر بتوانند موفق باشند، چون پایه های آکادمیک لازم را ندارند سطح کاری شان شاید به رشد لازم نرسد.

سریال های تلویزیونی چون مخاطب فراگیر دارند، می توانند یکی از بهترین راه های جذب هنرجویان توانمند دانشگاه ها و محیط های آکادمیک باشند، یعنی اگر مابین تهیه کنندگان باتجربه تلویزیون و اساتید دانشگاهی ارتباط معقولی باشد، می توان در هر سریال تعدادی از برگزیدگان دانشگاه ها را وارد سریال ها کرد.

این اتفاق اگر بیفتد، چند مزیت دارد: اول از همه بالا رفتن جذب هنرمند از مسیر آکادمیک که نقطه امیدی است برای هنرجویان تا بدانند اگر درست تحصیل کنند و جلو بروند، حتما می توانند جذب پروژه ها شوند. مزیت دیگر این روند آن است که سریال های تلویزیونی را نونوار می کند و از حلقه تکراری افرادی محدود خارج می کند. مزیت سوم نیز آن که سریال های تلویزیون را به محلی برای تعامل و تعاملی تجربه میان جوانان و باتجربه ها بدل می کند.

برای خودم که سال ها سعی کردم دانشجویانم را به سمتی ببرم که نفس کار هنری برای شان مهم باشد و نه درآمدزایی، این روند تاثیر بسیار بالایی در آینده محصولات تلویزیونی هم دارد، چون در همین تعامل میان سریال ها و فضاهای آکادمیک به تدریج بازیگرانی توانمند پرورش یافته و در بلندمدت بر غنای بازیگری خواهد افزود.

احمد میراحسان (پژوهشگر و مستندساز): دشمن ستیزی ۱۵ خرداد تا پایان دهه اول انقلاب اسلامی چنان درخشان و حیرت آور بوده که در هیچ مقطعی کفار



احمد میراحسان
پژوهشگر و مستندساز

معارب و شیطان بزرگ هرگز فکرش را نمی کردند چنین خرد تابنده ای از سوی ولی فقیه به نمایش درآید. آنان در خنثی کردن این حرکت، بزرگ ترین هجوم ها و جنگ های اقتصادی را راه انداختند اما دشمن ستیزی تابناک و عقل درخشان امام خمینی (ره) و جانشین او امام خامنه ای در تاریخ ثبت شده است. دشمن با خشونت و کینه توزی ۱۰ بار شدیدتر در برابر این ایستادگی به توطئه پرداخته اند، درحالی که مقاومت اسلامی با قوت و پیروزی پیشرفت کرد. اینک این پیروزی به هیچ وجه نابودشدنی نیست. آنان حتی اگر تمام مردم را خاکستر کنند این حقیقت و تاریخ محوشدنی نیست و درخشش قیامی آن مسجل است. حقیقت این حرکت هرگز از سوی خدا و حتی انسان های آینده نادیده گرفته نمی شود و همواره یک الگو خواهد بود و تا ظهور امام زمان (عج) از یاد نرفته باقی خواهد ماند. در اصل نوع مواجهه بدشان با حضرت آقا، بیان کینه انباشته شده شیاطین و گناهکاران است. آنان بنده خدا بودند و برای راه عبودیت و اطاعت او قیام کردند. آنان خدمتگار ملت بودند و برای تقابل با دشمنان ملت مورد فحاشی قرار گرفتند.



هم اسناد و هم تعریف گری معاندان و گروه های وابسته به غرب و لیبرال وارهای داخلی علیه دشمن ستیزی در تاریخ انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی جای تردید دارد. به نظر من به جای رجوع به منابع متعدد معاندان و نویسندگان اسلام تیزی همچون آجودانی، برای اثبات دشمن ستیزی میرزای شیرازی و فقیهان انقلابی عهد قاجار باید سراغ مکتوبات و سندهای اصیل رفت. برده پوشی ضداستعماری، ضداستبدادی و مردمی این رهروان قیام لله، از ردایل متون تاریخی لیبرال مآب و غربگرای ماست زیاده مکتوبات و در عمل آنان، جنبش دینی مردم برای مقابله با ظلم و استبداد قدرت های استعماری غیاب است. نهان داشتن این وجه از شرافت علمی به دور است. علما و فقهای دینی موجب بیداری مردم شده اند، نه آن که خود از جنبش مردم بیدار شده باشند. شگفت انگیز آن است که محقق پرورش یافته در دستگاه علمی جهان سلطه، دست به تحریف اسناد بزند

دشنام شناسی و دشمن شناسی

تعریف گری معاندان

از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی



و نقش میرزای شیرازی در برابر ظلم سلاطین و کوشش و مجاهدت فقیهان دوره فتحعلی شاه در دفاع از کیان اسلام را پنهان کند! این کینه توزی نسبت به روحانیت انقلابی با پس و پیش کردن اسناد از نظر زمانی در نوشته نویسندگان غربگرا و لیبرال مآب موج می زند.

در آثار متعددی که درباره میرزای شیرازی و جنبش تحریم تنباکو نوشته شده است، صداها سند وجود دارد که فتوای میرزا ربطی به فشار مردم و روشنفکران عصر نداشته و او پیشگام مبارزه ضداستعماری بوده و در نامه هایی که او به شاگردانش نوشته سال هایش از این بحث را مطرح کرده است. سند نادرستی سخن کسانی چون نویسنده مشروطه ایرانی آن است که: ۱. پیش از میرزای بزرگ، مراجع دوران فتحعلی شاه با قدرت در مقابل دخالت استعمارگران در سرزشت مردم ایران اعتراض داشته و در مقابل آنان ایستادند. در حقیقت فقهای اسلام با قدرت سیاسی و حکمرانی، فتوای جنگ با روسیه را دادند و پس از جدا کردن سرزمین های

شمالی امر به این جنگ کرده و تکلیف خود را ادا کردند. ۲. اندیشه تحریم خدایاوری، ضربه بزرگی را که یک ولی فقیه شجاع، باهوش و نابغه بود با انقلاب ضدکفر و ضدسلطه بر پیکر فرعونیان زمان وارد آورده است توضیح می نهد و به طور مشخص اثبات می کند که برخلاف تاریخ نگاران روشنفکر غربزده، حادثه تحریم تنباکو نه زودگذر و نه در اثر فشار مردم صادر شده است.

اقدام فرصت جویانه شبه روشنفکران

نامه های روشنفکران پس از اثبات قدرت ولی فقیه و مرجعیت شیعه و پیروی جانبازانه مردم از یک ولی شیعی تنها اقدام فرصت جویانه بوده تا با همراه شدن شان بتوانند بر ذهن میرزای شیرازی تأثیر بگذارند. آنان غافل از این بودند که این نابغه دوران، هوشی فراتر از آنان دارد. اول این که او پیش از عمل انقلابی، شروع به کار کرده بود. دوم این که اشراف میرزای شیرازی بر جریانات سیاسی هرگز اجازه اثرگذار آنان بر او نداشته و سوم آن که چون میرزا خود فهم برتری نسبت به تقاضا کنندگان داشته و می دانسته روش عجولانه آنان کمکی به رشد انقلاب مردم و مشارکت همگانی نمی کند و راه مردمی

تاریخ نگاران علیه روحانیت انقلابی

اثبات نادرستی نظر تاریخ نگاران ضد ولایت فقیه و ضد روحانیت انقلابی، خواست این متن نیست. میرزای شیرازی در مبارزه با کفر همه جوانب ضداستبدادی و استعماری را حتی پیش از فرمان تحریم تنباکو در نظر گرفته بود. تاریخ پژوهان پس از انقلاب اسلامی که برخلاف تاریخ نگاران لیبرال، بررسی متون تاریخی و تحول سیاسی را در پیش گرفتند و درباره

ضربه مهلک میرزا حسن مجتهد شیرازی به دشمن که تاله شکست دشمن تا به امروز در میان ملل مختلف طنین پیدا کرده، پژوهش کرده اند. از مکتوبات دشمنان میرزای شیرازی روشن می گردد که آنان مواضع ضد استعماری میرزای بزرگ بوده اند. وقتی خود آنان اعتراف می کنند چگونه تاریخ نگاران هوادار غرب می کوشند بر آن پرده افکنند! آنان خود را به ناپیایی می زنند که این عمدی است.

حرکتی که مقدمه بزرگ و انکارناپذیر مبارزه ضداستعماری اولیای فقه باید درست تفسیر شود. تحریم تنباکو همان آغاز بیدارگری و قیام با رهبری ولی فقیه عصر بوده است. حتی با تأملی کوتاه می توان بی برد که میرزای بزرگ و هواداران او از مدت ها قبل مبارزه با سیاست استعماری و امتیازطلبانه و سلطه اقتصادی را با تحریف معنا منتشر کرده اند و هم پیشداوری و فهم غلط خود را به خواننده بی خبر تحمیل کرده و با تفسیر حاصل از نگرش وابسته به چهل درباره دین معنا را به خواننده فاقد عمل می دهند. این افراد آن تیست ولایت بدترین تلاش را می ورزند تا بر حقیقت پرده بیفکنند و وجه الهی جنبش را نفی کنند و نقش ولی فقیه را در مواضع ضداستعماری و برای عدالت و استقلال ایران و مسلمانان تحریف نمایند.

پیشبرد حرکت اسلامی

اولا مکتوبات میرزای شیرازی به شاگردانش فاش می سازد که فتوای تحریم تنباکو اتفاقی و بر اثر فشار مردم یا تأثیر روشنفکران نبوده و این جعل بی شرمانه ای است و ثانیاً نامه ای که پس از تحریم تنباکو و موفقیت سراسری و حیرت انگیز آن از سوی افراد لائیک و روشنفکرانی مانند آقاخان کرمانی و ملکم خان لیبرال و مشکوک الهویه به میرزای بزرگ شیرازی نوشته شده و میرزا به آن وقتی ننهاد است، هرگز نمی توانسته دربردارنده تأثیر بر میرزای بزرگ مرجع بلندمرتبه باشد؛ نه عقلا و نه تاریخی. زیرا آرای ضداستعماری و استقلال جویانه میرزای شیرازی طبق سند از پیش موجود و قطعی و نافذ بوده است. دکتر آجودانی سواد و فهم زبان دین را نمی داند و وقتی مکتوبات، اسناد و حتی نوشته های شاگرد میرزای بزرگ صریحاً ترتیب مفاسد بر حمل اجناس از بلاد کفر به مرنوسه ایران صحبت می دارد، این کلام در زبان فتوا به معنی اصولی آن یعنی فهم زبان آن در ظرف مکان و زمان تأیید موضع مجتهد آگاه به زمان و تأکید بر ضرورت جهاد و دفاع استاز از پیشبرد حرکت اسلامی است.



برای نوشتن بخش های تکمیلی این مطلب بزرگداشت اسکن کنید